

«زن و مطالعات خانواده»

سال یازدهم - شماره چهل و چهارم - تابستان ۱۳۹۸

ص ص: ۶۳-۸۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۵

## تحلیل کیفی چالش‌های کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه)

بیژن رضایی<sup>۱</sup>

صبا امیری<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل کیفی چالش‌های کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی استان کرمانشاه انجام شد. روش پژوهش، کیفی از نوع مطالعه موردی بود و داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند با ۳۳ نفر از زنان کارآفرین که بر پایه روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند، گردآوری شد. بر پایه نتایج حاصل از تحلیل محتوا، چالش‌های کارآفرینی زنان به دو دسته عوامل پیش‌برنده و بازدارنده تقسیم گردید؛ عوامل پیش‌برنده در طبقه انتخابی «توسعه متوازن و درونزا» در دو مقوله عوامل زمینه‌ای و ساختاری دسته‌بندی شدند که در آن، مهم‌ترین اولویت‌ها عبارت بود از دقت در انجام کار، علاقه به حوزه کاری، بهره‌گیری از حمایت اطرافیان، شرایط محیطی مناسب، و برگزار شدن دوره‌های آموزشی؛ همچنین عوامل بازدارنده در طبقه انتخابی «مشکلات بخش اجرا» شامل دو مقوله ضعف زیرساخت‌ها و نارسایی‌های حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها و طبقه انتخابی «مشکلات بخش تولید» شامل مقوله‌های مشکلات زنجیره تولید، توزیع و نظارت دسته‌بندی شدند که نبود فضای مناسب، عدم اعتماد به یکدیگر، عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان، نرخ بالای بهره بانکی، عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید، نوسان شدید بازار و قیمت نهاده‌ها، و آسیب دیدن محصولات، مهم‌ترین اولویت‌ها را تشکیل دادند. در نهایت، پیشنهاداتی به جهت بهبود وضعیت کارآفرینی زنان ارائه گردید.

### واژه‌های کلیدی

تحلیل کیفی، چالش، کارآفرینی زنان، تعاونی، استان کرمانشاه

۱. استادیار، گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  
۲. دانشجوی دکتری گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

## مقدمه

امروزه کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی، تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، پیش‌زمینه‌ای اساسی برای افزایش استانداردهای زندگی، ارتقای سطح توسعه در شهرها و روستاها، و کاهش فقر به شمار می‌رود، از این‌رو توسعه کشور تا حد زیادی وابسته به کارآفرینی است که به عنوان نیروی مرکزی برای رشد اقتصادی مطرح می‌شود (Kiakajoori et al., 2012, P.3). کارآفرینان به عنوان نماد تلاش، موفقیت و منشأ تحول‌های بزرگ در زمینه‌های تولیدی، خدماتی و تجاری و نیز موتور محرک توسعه، پیشرفت اقتصادی، ایجاد شغل و اصلاح اجتماع به شمار می‌روند (Urbano et al., 2010, P.56) تا آنجا که اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، برای فرار از بیکاری با کمک نیروی کارآفرینی، حیاتی دوباره یافته و این مهم، سبب توجه خاص کشورهای گوناگون به موضوع کارآفرینی شده است (Archibong, 2004, P.26). تحقق اهداف و برنامه‌ریزی توسعه کارآفرینی در یک جامعه، نیازمند تلاش آگاهانه برای تدارک مجموعه‌ای از عوامل و شاخص‌های زیرساختی و حمایتی توسط نهادهای دولتی و غیردولتی ذیربط در راستای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود در جوامع می‌باشد (Wong et al., 2007, P.942). یکی از این ظرفیت‌ها، بخش تعاونی کشور است؛ تعاونی‌ها تا آن زمان که تعاون، کار و تلاش جمعی را ترویج دهند، ابزار سازمانی یا تشکیلاتی جهت پاسخگویی به منافع جمعی و بوم‌شناختی هستند. این امر به‌نوبه خود نقش کلیدی در توسعه پایدار دارد، زیرا اقتصادهای مبتنی بر بازار سرمایه زمانی دچار اضمحلال می‌گردند که منافع جمعی و مشترک را به سمت گروهی خاص سوق دهند. تعاونی‌ها می‌توانند مردم‌سالاری اقتصادی و توانمندسازی اقشار ضعیف و گروه‌های حاشیه‌ای جامعه را ترویج دهند (Ahhirrao and Sadavarte, 2010, P.15). علیرغم گذشت بیش از ۱۵ سال از تأسیس وزارت تعاون و تشکیل تعاونی‌های اشتغال‌زا و همچنین با وجود ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که بند (ب) آن به سیاست‌های کلی بخش تعاونی، از جمله افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور (که به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنجم توسعه) اشاره دارد، سهم بخش تعاون از اقتصاد کشور حدود ۴ الی ۵ درصد بوده است. در این رابطه، نتایج پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که تعاونی‌ها علیرغم رشد کمی، رشد کیفی مطلوبی نداشته‌اند. بدیهی است، اگر بخش تعاون بخواهد به اهداف موجود در قانون اساسی دست یابد، لازم است به افزایش کیفیت تعاونی، آموزش کارآفرینی و ترکیب اعضای تعاونی‌ها توجه جدی نماید. در واقع زمان آن رسیده که بخش تعاون تمام تلاش و امکانات خود را معطوف به کیفیت نماید تا کارکرد و توانمندی اصلی خود را که کارآفرینی و مهار بحران بیکاری است، محقق نماید. این در حالی است که بر پایه گزارش مرکز آمار ایران در تابستان ۱۳۹۷، استان کرمانشاه با جمعیت ۲ میلیون نفری بالاترین نرخ بیکاری کشور (۱۶/۴ درصد) را به خود اختصاص

داده است؛ در وضعیتی که استان کرمانشاه با وجود پتانسیل‌ها و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای در بخش تعاونی‌ها می‌تواند بسیار مؤثرتر از وضعیت کنونی عمل نماید.

رشد روزافزون عرضه نیروی کار طی سال‌های اخیر، به رشد قابل توجه نرخ بیکاری به‌ویژه در میان جوانان، زنان و افراد تحصیلکرده منجر شده و امروزه با گروه عظیمی از زنان جویای کار روبرو هستیم (Kazemi and Moghimi, 2018, P.250). پُر واضح است دستیابی به توسعه، بدون مشارکت فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌باشد و تجارب جهانی نشان می‌دهد به منظور موفقیت در برنامه‌های کارآفرینی، باید راه‌های مشارکت و توانمندسازی زنان برای حضور در جامعه تقویت گردد (Itohara and Hoqu, 2008, P.23). زنان نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی و توسعه اشتغال در جامعه ایفا می‌کنند و هویت دادن و استقلال بخشیدن به آنان و فراهم کردن زمینه مشارکت فعال آنها در امور مختلف اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه فعالیت‌های کارآفرینی، به عنوان عامل مهمی در انگیزش بیشتر این نیروی عظیم در چرخه‌های تولید مطرح می‌شود (Alikhani Dad, 2014, P.21). در کشورهای توسعه‌یافته بسیاری از دولت‌ها توانسته‌اند با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب و با بهره‌مندی از نیروی کار فعال بر بحران‌های جامعه خود فائق آیند و در مسیر توسعه موفق شوند. اما در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، زنان با موانع متعدد و جدی روبرو هستند که مانع موفقیت آنان در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. آثار محیطی گویای این واقعیت است که عواملی مانند فرصت‌های کاری برابر برای زنان و مردان، کمک‌های دولتی، سیاست‌ها، راهبردها و قوانین دولتی می‌تواند به صورت مثبت یا منفی در فرایند کارآفرینی زنان تأثیر بگذارد. شایان ذکر است به طور عمده تلاش‌های اقتصادی زنان به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه، به دلایل متعددی از جمله بیکاری، استقلال طلبی، کسب درآمد، پایین بودن دستمزدها و عدم رضایت از شغل قبلی است (Hashemi and Pouraminzad, 2010, P.25).

بر پایه مطالب بیان شده و با توجه به اهمیت کارآفرینی در بخش تعاون، نمی‌توان از نقش پُررنگ آن در کشور ایران و به طور ویژه در استان کرمانشاه غافل شد؛ استان کرمانشاه با دارا بودن کیلومترها مرز مشترک با کشور عراق، بازار بکر اقلیم کردستان و نیز موقعیت استراتژیک مرکزیت غرب کشور، دارای مزیت‌هایی است که با کمترین تدبیر به اشتغال و سرمایه‌گذاری منجر نشده است. همین امر لزوم واکاوی چالش‌های کارآفرینی زنان در بخش‌های دولتی و خصوصی و به طور ویژه در تعاونی‌های استان کرمانشاه، با هدف فراهم کردن بستری مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی آنها که نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند، نشان می‌دهد. بنابراین، لازمه ورود موفق زنان به عرصه‌های کارآفرینی در گام اول، واکاوی دقیق چالش‌های توسعه کارآفرینی در قالب عوامل پیش‌برنده و بازدارنده، با توجه به زمینه‌ها و ظرفیت‌های موجود در این بخش و سپس اولویت‌بندی آنها به جهت ارائه راهکارهای عملیاتی در

راستای تقویت عوامل پیش‌برنده و کاهش اثرگذاری عوامل بازدارنده است که در این پژوهش با رویکرد کیفی به آن پرداخته شده است. شایان ذکر است، با توجه به مفهوم واژه «چالش» که در ماهیت، از دو بُعد فرصت و تهدید تشکیل می‌گردد، در تحلیل کیفی این پژوهش عوامل پیش‌برنده و بازدارنده مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج حاصل، از آن جهت ارزشمند است که از دیدگاه کسانی که تجربه‌های غنی و مستقیم از کارآفرینی و چالش‌های آن دارند، بررسی شده است.

### مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

**الف) کارآفرینی:** تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن، از ابزارهای پیشرفت اقتصادی کشورها به شمار می‌رود، زیرا یک فعالیت کارآفرینی با اثربخشی بالا به توسعه اقتصادی می‌انجامد (Verheul, 2001, P.42). امروزه به فعالیت‌های خودجوش اقتصادی در قالب کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه توجه ویژه می‌شود. در همین رابطه گفته شده که توسعه اقتصادی، اجتماعی و کارآفرینی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند (Heriot and Campbell, 2002, P.16). یکی از راه‌های تجربه‌شده در جهان در بازنگری سیاست‌ها، توجه به کارآفرینی است که از آن در متون توسعه، به عنوان «بازسازماندهی»<sup>۱</sup> ساختار اقتصاد نام می‌برند (Heydari Sareban, 2012, P.165). کارآفرینی وسیله‌ای مهم برای توسعه جوامع، افزایش و توسعه شغل‌ها و ابزار برای بهبود معیشت زنان است. یافته‌های علمی گویای این واقعیت است که توسعه اقتصادی در مناطق محروم محقق نمی‌شود، مگر اینکه زنان در تمامی جهات و ابعاد توسعه، مداخله مستقیم داشته باشند (Ganesan, 2006, P.23). هیبری نیز بر این باور است که میان توسعه فردی زنان از طریق افزایش مهارت‌ها و قابلیت‌ها، آزادی بیشتر، خودشکوفایی، مسئولیت‌پذیری، و وضعیت مالی با کارآفرینی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد (Hibri, 1983, P.25). بر این اساس می‌توان گفت در نظریه‌های توسعه، کارآفرینی راهکاری جدید برای توانمندسازی زنان و ظرفیت‌سازی در مناطق محروم در راستای دستیابی به توسعه پایدار است (Roknoddin Eftekhari and Sajasy Qidari, 2009. P.5).

علیرغم اینکه کشورهای پیشرفته دنیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ و بسیاری از کشورهای در حال توسعه از اواخر دهه ۱۹۸۰ موضوع کارآفرینی را مورد توجه قرار داده‌اند، در کشور ما تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود. مشکل بیکاری و پیش‌بینی حادث‌تر شدن آن در دهه ۱۳۸۰ باعث شد که در زمان برنامه سوم توسعه، موضوع کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد (Shateriyan and Nasrabadi, 2017, P.183).

<sup>1</sup> Reorganizing

امروزه کارآفرینان منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی هستند و چرخ‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آیند و با توجه به اینکه کارآفرینی نه تنها در توسعه اقتصادی، بلکه در سلامت روحی و روانی و شکوفایی معنویات افراد جامعه تأثیر می‌گذارد، حذف و اصلاح چالش‌های کارآفرینی از مباحث اساسی بوده و در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است (Ghademarzi et al., 2015, P.104).

**ب) کارآفرینی زنان:** یکی از مهم‌ترین مسائل دولت‌های جهان، کارآفرینی زنان می‌باشد که در سال‌های اخیر به آن توجه بسیاری شده است، به گونه‌ای که سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ را می‌توان دهه زنان نامگذاری کرد (Ansari et al., 2010, P.85). مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف کارآفرینی و موفقیت‌شان در کسب و کار، آنها را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قدرتمند می‌کند. از طرفی، این موفقیت در جوامع نیز، نه تنها سبب ایجاد سود اقتصادی، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی می‌گردد (Kazemi and Moghimi, 2018, P.250). بنابراین زنان خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در عرصه جهانی شده‌اند (Arasti and Maleki Karamabad, 2014, P.100). برای توسعه سهم زنان در اقتصاد ملی و برای مقابله با بحران بیکاری زنان، ضروری است شرایط لازم برای کارآفرینی آنها محیا شود (Roshanniya et al., 2015, P.65). هرچند در این راه، مشکلات اولیه بر سر راه توفیق زنان در کسب و کار از میان برداشته شده، اما هنوز چالش‌ها و موانع فراروی زنان کارآفرین بسیار است، بنابراین دولت باید سیاست‌ها و برنامه‌های عملی جهت بسط روحیه و رفتار کارآفرینانه، آموزش و مشاوره، ایجاد فضای مناسب‌تر برای فعالیت کارآفرینان در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، رفع موانع، ایجاد ارتباط و همکاری بین آنها و تسهیل دستیابی آنها به بازارهای جهانی باشد (Sheykhan, 2011, P.290).

در کشورهای توسعه‌یافته، زنان سهم خویش را از اشتغال و مشاغل حرفه‌ای در سطح وسیعی گسترش داده‌اند، اما تحقق این موضوع در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، راه درازی در پیش دارد. امروزه اشتغال به عنوان نقشی جدید که به نقش‌های سنتی زنان اضافه شده است، موجب عزت نفس و استقلال مالی بیشتر و کسب حمایت اجتماعی گسترده‌تر می‌شود. زنان در طول تاریخ در دوره‌هایی که خانواده یک واحد اقتصادی محسوب می‌شد، به غیر از خانه‌داری، در امور کشاورزی، گله‌داری و صنایع دستی دوشادوش مردان فعالیت می‌کردند (Heydari Sureshjani and Ghashool, 2017, P.175). در قرن هجدهم میلادی، با توجه به امکان تحصیلات عمومی، اشتغال زنان در خارج از خانه رشد بیشتری پیدا کرد. در عین حال، در کشور ما در آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، ۱۳/۷ درصد زنان در مقابل ۸۶/۳ درصد مردان در کل کشور مشغول به کار بودند. بنابراین در اکثریت جامعه اشتغال زنان

محدود است (Heydari Sureshjani and Ghashool, 2017, P.176). زنان به عنوان نیمی از سرمایه‌های انسانی جامعه، علاوه بر اینکه موضوع و هدف توسعه هستند، عامل مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه نیز می‌باشند (Ktabi et al., 2003). این در حالی است که بسیاری از زنان به دلیل عدم آشنایی با مهارت‌های اجتماعی، عدم دسترسی به منابع، کیفیت زندگی پایین‌تر و نیز با از دست دادن شبکه روابط و با گستردگی افراد تحت تکفل خود، در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و روانی قرار دارند (Momeni Zadeh, 2014).

**ج) شرکت تعاونی:** طبق تعریف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شرکت تعاونی به شرکتی گفته می‌شود که از اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضاء و از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان، موافق اصولی که در این قانون مطرح است، تشکیل شده است. این تعاونی‌ها می‌توانند از طریق ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال پایدار، قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند، اما وسایل لازم را ندارند، پیشگیری از تمرکز ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی، جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت، قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصل در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود، پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم، و توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم (Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, 2011) در راستای توسعه کارآفرینی در جامعه گام بردارند. در تعریف دیگر گفته می‌شود شرکت تعاونی عبارت است از اجتماعی از افراد که با طیب خاطر و آزادانه برای رسیدن به هدف‌های مشترک از طریق ایجاد سازمانی که به صورت آزادانه اداره می‌شود، گردهم آمده و هریک از اعضای سازمان، تأمین کردن سرمایه لازم را بر نسبت معقولی تعهد می‌نمایند و متقابلاً سهم منصفانه‌ای از سود و زیان حاصل از کار دسته‌جمعی که به صورت فعالانه در آن مشارکت کرده اند، نصیب‌شان خواهد شد (Ansari, 2009, P.155).

رسالت مهم شرکت‌های تعاونی، ارتقای دانش، افزایش بهره‌وری، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه و برقراری توازن بین توسعه مناطق روستایی و شهری در برنامه‌های کلان کشور است. بخش تعاونی به عنوان یکی از سه بخش اقتصاد کشور ما، در کنار بخش‌های دولتی و خصوصی، در قانون جمهوری اسلامی ایران، اهمیت و جایگاه خاصی دارد. بی‌شک، یکی از دلایل اهتمام قانون اساسی به نظام تعاونی و ارزش‌های والای مادی و معنوی را می‌توان برخورداری از روحیه تعاون، همکاری و پدیده مشارکت‌های توده‌های مردم در امور مربوط به خود دانست (Mohajerani, 2008, P.5).

## پیشینه پژوهش

کلاتتری و لویایی آدریانی (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند، مهم‌ترین چالش‌های شرکت‌های تعاونی تولید روستایی ایران، سرمایه‌محوری است که از کمبود دانش و تجربه کاری و خلأهای قانونی منتج شده و سبب ایجاد جریان منفعت‌طلبی مفرط در شرکت‌های تعاونی تولید شده است (Kalantari and Lavaee Adriyani, 2017). نتایج پژوهش نصراللهی و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد ناکافی بودن حمایت‌های دولتی، عدم ارتباط مناسب بین تولید و بازاریابی، عدم بازاریابی مناسب محصولات، سیاست‌های اعتباری نادرست، نبود همبستگی میان اعضا، ناآشنایی اعضا با اصول تعاون، عدم بهره‌مندی از اعتبارات و تسهیلات دولتی، و بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری بلندمدت، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدم توفیق تعاونی‌های استان گیلان هستند (Nasrollahi et al., 2016). نتایج پژوهش شریفی و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان در نجف‌آباد عبارت‌اند از عوامل زیرساختی - حمایتی، فرهنگی - روانشناختی، مهارتی، اعتماد اجتماعی، ساختاری، انگیزشی - شناختی و تسهیلات بانکی و عوامل پیش‌برنده عبارت‌اند از عوامل آموزشی - حمایتی، فرهنگی - زیرساختی، خانوادگی، مشارکت اقتصادی و نهادی. همچنین، سهم عوامل بازدارنده از عوامل پیش‌برنده بیشتر است (Sharifi et al., 2015). گلایی و همکاران (۲۰۱۴) با تحلیل میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان فالورجان در تعاونی‌ها دریافتند عوامل مؤثر بر مشارکت، در چهار دسته نهادی، فردی - شخصیتی، اجتماعی - فرهنگی، و اقتصادی تقسیم می‌شوند (Golabi et al., 2014). حیدری ساریان (۲۰۱۲) موانع فردی، اجتماعی - فرهنگی، روانشناختی، و اقتصادی را به عنوان مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان روستایی استان اردبیل برشمرد (Heydari Sareban, 2012). ساتیایاما (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان داد، زنان کارآفرین علاوه بر اینکه با مانع بازاریابی مواجه هستند، عوامل دیگری نیز مانند مسئولیت‌های خانوادگی، مانع دستیابی آنان به بعضی فرصت‌ها می‌شود، به‌علاوه اینکه آنها با موانعی در رابطه با حق مالکیت دارایی‌هایشان مواجه هستند (Sathiabama, 2010). آنال و همکاران (۲۰۰۹) مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدم موفقیت تعاونی‌ها در کشور ترکیه را نبود همبستگی میان اعضا، فقدان سرمایه‌گذاری، پایین بودن سطح سواد اعضا و مدیران، فقدان مدیر واجد شرایط، و ناکافی بودن حمایت‌های دولتی بیان کردند (Ünal et al., 2009). نتایج پژوهش ناواز (۲۰۰۹) نشان داد سه عامل قانونی (شامل قوانین سازمانی و دولتی و سیاست بانکی)، هنجاری (شامل رسم و عادات اجتماعی، دسترسی به سرمایه و پول، و میزان ارتباط با بازار) و شناختی (توانایی کنترل خطر، دوره‌های آموزش کارآفرینی و دانش کسب و کار) در توسعه کارآفرینی زنان در بنگلادش تأثیرگذار هستند (Nawaz, 2009). وندی و چونگ (۲۰۰۷) به این نتیجه دست یافتند موانع کارآفرینی زنان در مالزی عبارتند از طبقه اجتماعی، فضای حیاتی، پایین بودن آگاهی، کمبود تقاضا، دسترسی نداشتن به منابع، انزوا، دسترسی نداشتن به

دانش فنی، پایین بودن سطح مهارت (Wendy and Chong, 2007). کریمی (۲۰۰۷) بیان کرد مشکلات مالی، اختلاف میان اعضاء و تبعیض علیه زنان، مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان در استان مازندران هستند (Karimi, 2007). کرونیوس (۲۰۰۶) نبود نهادهای حمایت‌کننده و سازماندهی ضعیف زنان کارآفرین، پایین بودن سطح تحصیلات و میزان سواد، وجود تبعیض در بازار کار، و وجود بازارهای سنتی و کلیشه‌ای را از موانع مؤثر در کارآفرینی زنان برشمرد (Cronies, 2006). پژوهش جواهری و قضاوتی (۲۰۰۵) نشان داد موانع خانوادگی، نظام تعلیم و تربیت، ناهمخوانی انتظارات نقشی، و باورهای کلیشه‌ای به عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان ایرانی هستند (Javaheri and Ghezavati, 2005). یافته‌های پژوهش صابر (۲۰۰۳) نشان داد عوامل خانوادگی (خانواده، خانواده همسر، همسر و فرزندان)، علمی (دانش و مهارت‌های مدیریتی، بازاریابی، حقوقی، فنی، مالی و حسابداری)، مالی (سرمایه شخصی، دسترسی به وام) و فیزیکی (فضای کسب و کار، امکانات سخت‌افزاری، و مواد اولیه) عوامل اثرگذار بر کارآفرینی زنان در ایران هستند (Saber, 2003).

### اهداف پژوهش

براساس مطالب بیان شده در ادبیات نظری و پیشینه، پنج هدف این پژوهش عبارتند از:

- تعیین عوامل پیش‌برنده کارآفرینی زنان در شرکتهای تعاونی استان کرمانشاه.
- تعیین عوامل بازدارنده کارآفرینی زنان در شرکتهای تعاونی استان کرمانشاه.
- اولویت‌بندی عوامل پیش‌برنده کارآفرینی زنان در شرکتهای تعاونی استان کرمانشاه.
- اولویت‌بندی عوامل بازدارنده کارآفرینی زنان در شرکتهای تعاونی استان کرمانشاه.
- ارائه راهکارها برای بهبود وضعیت کارآفرینی زنان در شرکتهای تعاونی استان کرمانشاه.

### روش پژوهش و ابزار پژوهش

پژوهش حاضر با روش کیفی، از نوع مطالعات موردی می‌باشد که با هدف تحلیل کیفی چالش‌های کارآفرینی زنان در شرکتهای تعاونی استان کرمانشاه انجام شد. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند استفاده شد. جامعه مورد مطالعه، مدیران زن فعال در شرکتهای تعاونی عضو پارک علم و فناوری کرمانشاه بودند که تعداد آنها براساس آمار، ۱۷۸ نفر بود. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری هدفمند نظری استفاده شد. کفایت نمونه‌گیری با روش اشباع نظری محقق گردید؛ به این معنا که نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا کرد که مدل به حد اشباع رسید. هرچند که تقریباً از مصاحبه ۲۱ به اشباع رسیده شد، اما در مجموع ۲۳ مصاحبه انجام شد. به جهت بررسی روایی مصاحبه، از روش‌های



مثلث‌سازی و تکنیک طرح یک پرسش به چند شیوه متفاوت استفاده شد. میانگین زمان انجام هر مصاحبه ۹۵ دقیقه بود و بین ۱ الی ۲ جلسه به گفت و شنود با مصاحبه‌شونده‌ها پرداخته شد. جهت تجزیه و تحلیل، متن مصاحبه‌ها به رشته تحریر درآمد و بلافاصله پس از هر مصاحبه، متون تحلیل گردید. بر پایه نتایج تحلیل هر مصاحبه، داده‌های بعدی برای تأیید و تعمیق نتایج یادشده و همچنین برای به دست آوردن سایر مقوله‌های درگیر در فرایند مورد مطالعه و تعیین رابطه بین آنها، جمع‌آوری شدند. پس از ثبت شنیداری و نوشتاری مصاحبه‌ها و یادداشت‌برداری‌ها، از تکنیک «تحلیل محتوا»<sup>۱</sup> به جهت بررسی محتوای آشکار و پنهان پیام‌های موجود و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی استفاده شد. مراحل تحلیل داده‌ها در این پژوهش به شرح ذیل بود:

- تعیین نمونه‌های مورد بررسی (زنان کارآفرین در شرکت‌های تعاونی استان کرمانشاه)،
- تدوین پرسش‌های پژوهش،
- گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند تا دستیابی به اشباع نظری داده‌ها،
- ثبت و مرور داده‌های گردآوری شده بر اساس فرایند مقایسه مداوم،
- استخراج کدهای باز،
- دسته‌بندی گویه‌ها از دیدگاه قرابت نظری - مفهومی در قالب مفاهیم،
- تشکیل طبقات مفهومی در قالب مقوله‌ها،
- تشکیل ساختار ماتریس و ارائه یافته‌ها در قالب طبقه‌های انتخابی.

## یافته‌های پژوهش

### ۱. عوامل پیش‌برنده

براساس تحلیل‌های صورت‌گرفته، عوامل پیش‌برنده که باعث پیشبرد کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی استان کرمانشاه شده‌اند، شامل ۱۷ مورد بودند که با عنوان «کدهای باز» مطرح شدند. سپس این ۱۷ مورد در قالب ۴ زیرمجموعه اصلی شامل: «ویژگی‌های شخصیتی» با ۷ کد باز، «گروه‌های پشتیبان» با ۳ کد باز، «بسترها و زیرساخت‌های مناسب» با ۴ کد باز، و «آموزش» با ۳ کد باز طبقه‌بندی گردید. علت این طبقه‌بندی قرابت مفهومی کدهای باز با یکدیگر بود (جدول ۱).

<sup>1</sup> Content Analysis

جدول ۱. عوامل پیش‌برنده کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی استان کرمانشاه

ردیف	مفاهیم	کدهای باز	فراوانی	درصد	رتبه‌بندی
۱	ویژگی‌های شخصیتی	ظرافت و دقت در انجام کار	۱۰	۵۸	۱
۲		علاقه به حوزه کاری	۱۰	۵۸	۱
۳		قانون‌مدار بودن	۹	۵۲	۲
۴		استقلال‌طلبی	۸	۴۷	۳
۵		پشتکار	۷	۴۱	۴
۶		داشتن روحیه شکست‌ناپذیری و ناامید نشدن	۶	۳۵	۵
۷		داشتن اعتماد به نفس	۵	۲۹	۶
۸	گروه‌های پشتیبان	بهره‌گیری از حمایت اطرافیان	۸	۴۷	۱
۹		حمایت شدن از طرف خانواده	۶	۳۵	۲
۱۰		تعامل مناسب با همکاران	۴	۲۳	۳
۱۱		شرایط محیطی مناسب	۸	۴۷	۱
۱۲	بسترها و زیرساخت‌های مناسب	حمایت شدن ایده‌ها از سوی سازمان‌های ذیربط	۷	۴۱	۲
۱۳		وجود امکانات و تجهیزات لازم	۵	۲۹	۳
۱۴	آموزش	استفاده از فناوری‌های روز	۴	۲۳	۴
۱۵		برگزار شدن دوره‌های آموزشی	۸	۴۷	۱
۱۶		آموزش نیروی متخصص و ماهر	۵	۲۹	۲
۱۷		داشتن تحصیلات تخصصی مرتبط با حوزه فعالیت	۵	۲۹	۲

رابطه با این عوامل، می‌توان گفت کدهای «ظرافت و دقت در انجام کار» و «علاقه به حوزه کاری» در مفهوم «ویژگی‌های شخصیتی»، کد «بهره‌گیری از حمایت اطرافیان» در مفهوم «گروه‌های پشتیبان»، کد «شرایط محیطی مناسب» در مفهوم «بسترها و زیرساخت‌های مناسب» و کد «برگزار شدن دوره‌های آموزشی» در مفهوم «آموزش» بالاترین اولویت‌ها و کد «داشتن اعتماد به نفس» در مفهوم «ویژگی‌های شخصیتی»، کد «تعامل مناسب با همکاران» در مفهوم «گروه‌های پشتیبان»، کد «استفاده از فناوری‌های روز» در مفهوم «بسترها و زیرساخت‌های مناسب» و در نهایت کد «داشتن تحصیلات تخصصی مرتبط با حوزه فعالیت» در مفهوم «آموزش» پایین‌ترین اولویت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. سپس ۴ مفهوم، به دو مقوله اصلی شامل: «عوامل زمینه‌ای» و «عوامل ساختاری» تقسیم شدند؛ بدین صورت که عوامل زمینه‌ای شامل مفاهیم «ویژگی‌های شخصیتی» و «گروه‌های پشتیبان» بوده و به بررسی عوامل پیش‌زمینه‌ای در پیشبرد و توسعه کارآفرینی زنان می‌پردازند که امکان تغییر در آنها عمدتاً دشوار و زمانبر است. عوامل ساختاری نیز شامل مفاهیم «بسترها و زیرساخت‌های

مناسب» و «آموزش» بوده و میزان مناسب بودن زیرساخت‌ها، شرایط و حمایت سازمان‌ها و نهادها از کارآفرینی زنان را بررسی می‌کنند، به طور کلی ایجاد تغییر در این عوامل نسبت به عوامل زمینه‌ای امکان‌پذیرتر است (جدول ۲).

## جدول ۲. اولویت‌بندی عوامل پیش‌برنده کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی استان کرمانشاه

مقوله‌ها	مفاهیم	بالاترین اولویت‌ها	پایین‌ترین اولویت‌ها
عوامل زمینه‌ای	ویژگی‌های شخصیتی	ظرافت و دقت در انجام کار و علاقه به حوزه کاری	داشتن اعتماد به نفس
	گروه‌های پشتیبان	بهره‌گیری از حمایت اطرافیان	تعامل مناسب با همکاران
عوامل ساختاری	بسترها و زیرساخت‌های مناسب	شرایط محیطی مناسب	استفاده از فناوری‌های روز
	آموزش	برگزار شدن دوره‌های آموزشی	آموزش نیروی متخصص و ماهر و داشتن تحصیلات تخصصی مرتبط با حوزه فعالیت

تعدادی از دیدگاه‌های زنان کارآفرین در رابطه با عوامل پیش‌برنده زمینه‌ای و ساختاری به شرح زیر است:

«خانواده هم مشوق برای انجام کار بودند و هم کمک‌های مالی خوبی برای راه‌اندازی داروهای گیاهی کرده‌اند. رعایت اصولی که در هرکاری وجود دارد باعث تولید بهتر می‌شود؛ در تولید داروهای گیاهی هم رعایت اصول بهداشتی و مجوزها و ترتیب انجام کار و همکاری اعضا با هم باعث تولید با کیفیت شد. برخورد مردم با من مناسب بود و حتی تشویق می‌کنند که بیشتر تولید کنیم که این باعث انگیزه برای گروه کاری من می‌شود. با وجود چندین بار شکست و به صفر رسیدن ولی به دلیل علاقه به کار و انگیزه برای پیشرفت بیشتر و داشتن اعتماد به نفس لازم برای رسیدن به موفقیت تلاشم را بیشتر کردم». نتایج این بخش از پژوهش، همسو با نتایج پژوهشگرانی است که با هدف شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر فعالیت‌های کارآفرینانه زنان، انجام شده‌اند.

«پارک علم و فناوری با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در بحث آموزش بسیار تأثیرگذار بوده است و کمک‌های لازم را برای آموزش و تشویق مناسب انجام دادند. پارک استان حامی فارغ‌التحصیلان و کارآفرینان جوان و همچنین کسانی که ایده‌های مناسبی دارند، هستند و به کارهای سستی اهمیت کمتری می‌دهد». نتایج این بخش از پژوهش همسو با نتایج کار پژوهشگرانی است که بر

توسعه فرهنگ کارآفرینی و آموزش کارآفرینی که از پیش‌نیازهای اصلی برای کارآفرینی زنان به شمار می‌آید، تأکید کرده‌اند.

## ۲. عوامل بازدارنده

براساس تحلیل‌های صورت‌گرفته، عوامل بازدارنده که مانع کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی استان کرمانشاه شده‌اند، شامل ۲۹ مورد بودند که همانند عوامل پیش‌برنده با عنوان «کدهای باز» مطرح شده‌اند. سپس این ۲۹ مورد در قالب ۶ مفهوم اصلی شامل: «ضعف امکانات و تجهیزات» با ۵ کد باز، «مشکلات فرهنگی» با ۴ کد باز، «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاست‌گذاری‌ها» با ۵ کد باز، «ناکارآمدی عملکرد بانکی» با ۵ کد باز، «نارسایی سیستم مدیریت» با ۳ کد باز، و «مشکلات بازاریابی و بازرسانی» با ۷ کد باز طبقه‌بندی گردید (جدول ۳).

جدول ۳. عوامل بازدارنده کارآفرینی زنان در تعاونی‌های استان کرمانشاه

ردیف	مفاهیم	کدهای باز	فراوانی	درصد	رتبه‌بندی
۱	ضعف امکانات و تجهیزات	نبود فضای کافی و مناسب	۹	۳۱/۵	۱
۲		بالا بودن قیمت تجهیزات	۷	۲۴	۲
۳		وجود مشکل کم‌آبی	۳	۱۰	۳
۴		وجود مشکل در زمینه حمل و نقل	۲	۶	۴
۵		دسترسی مشکل به مواد اولیه	۲	۶	۴
۶	مشکلات فرهنگی	نبود فضای اعتماد به تولید داخلی	۵	۱۷	۱
۷		نبود فرهنگ سرمایه‌گذاری در استان	۴	۱۳	۲
۸		تبعیض میان زنان و مردان	۴	۱۳	۲
۹		فرهنگ ضعیف کار و کارآفرینی در استان	۳	۱۰	۳
۱۰	عدم حمایت اقتصادی و ضعف	عدم حمایت کافی و همه‌جانبه دولت از فرایند تولید	۱۰	۳۴	۱
۱۱		عدم حمایت مناسب شرکت‌های بیمه از محصولات	۷	۲۴	۲
۱۲		نبود حمایت‌های مالی مناسب و کافی	۶	۲۰	۳
۱۳		نبود هماهنگی مناسب سازمان‌ها با یکدیگر	۳	۱۰	۴
۱۴	سیاست‌گذاری‌ها	نداشتن نظارت و برنامه مناسب برای واردات محصولات	۳	۱۰	۴
۱۵	ناکارآمدی عملکرد بانکی	نرخ بالای بهره بانکی تسهیلات	۱۰	۳۷	۱
۱۶		همکاری نکردن بانک‌ها در پرداخت تسهیلات به تولیدکنندگان	۸	۲۹	۲
۱۷		فرصت محدود در بازپرداخت وام	۸	۲۹	۲
۱۸		طولانی شدن زمان واگذاری تسهیلات توسط بانک‌ها	۶	۲۲	۳

۱۹		دسترسی نداشتن به تسهیلات اعتباری	۶	۲۲	۳
۲۰	نارسایی سیستم مدیریت	عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید	۶	۲۲	۱
۲۱		نبودن سازمان‌های کنترل‌کننده به منظور نظارت بر زنجیره تولید	۲	۷	۲
۲۲		ضعف مدیریت بحران مسئولین	۲	۷	۲
۲۳	مشکلات بازاریابی و بازاریابی	نوسان شدید بازار در هنگام فروش	۶	۲۲	۱
۲۴		نوسان شدید قیمت نهاده‌ها	۶	۲۲	۱
۲۵		آسیب دیدن محصولات	۶	۲۲	۱
۲۶	بازاررسانی	راکد بودن بازار فروش محصولات	۳	۱۰	۲
۲۷		رقابت ناسالم	۳	۱۰	۲
۲۸		نداشتن برنامه بازاریابی مدون و بلندمدت	۳	۱۰	۲
۲۹		تغییر سلیقه و ذائقه مشتریان	۱	۴	۳

در رابطه با این عوامل، می‌توان گفت که «نبود فضای کافی و مناسب» در مفهوم «ضعف امکانات و تجهیزات»، که «عدم اعتماد به یکدیگر» در مفهوم «مشکلات فرهنگی»، که «عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان در توسعه واحدهای تولیدی» در مفهوم «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاست‌گذاری‌ها»، که «نرخ بالای بهره بانکی تسهیلات» در مفهوم «ناکارآمدی عملکرد بانکی»، که «عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید» در مفهوم «نارسایی سیستم مدیریتی» و کدهای «نوسان شدید بازار در هنگام فروش» و «نوسان شدید قیمت نهاده‌ها» و «آسیب دیدن محصولات» در مفهوم «مشکلات بازاریابی و بازاررسانی» بالاترین اولویت‌ها، کدهای «وجود مشکل در زمینه حمل و نقل» و «دسترسی مشکل به مواد اولیه» در مفهوم «ضعف امکانات و تجهیزات»، که «فرهنگ ضعیف کار و کارآفرینی در استان» در مفهوم «مشکلات فرهنگی»، کدهای «نبود هماهنگی مناسب سازمان‌ها با یکدیگر» و «نداشتن نظارت و برنامه مناسب برای واردات محصولات» در مفهوم «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاست‌گذاری‌ها»، کدهای «طولانی شدن زمان واگذاری تسهیلات توسط بانک‌ها» و «دسترسی نداشتن به تسهیلات اعتباری» در مفهوم «ناکارآمدی عملکرد بانکی»، کدهای «نبود سازمان‌های کنترل‌کننده به منظور نظارت بر زنجیره تولید» و «ضعف مدیریت بحران مسئولین» در مفهوم «نارسایی سیستم مدیریتی» و در نهایت که «تغییر سلیقه و ذائقه مشتریان» در مفهوم «مشکلات بازاریابی و بازاررسانی» پایین‌ترین اولویت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. سپس ۶ مفهوم تفکیک شده، به سه مقوله اصلی شامل: «ضعف زیرساخت‌ها» و «نارسایی‌های حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها» و «مشکلات زنجیره تولید، توزیع و نظارت» تقسیم شدند، بدین صورت که ضعف زیرساخت‌ها شامل مفاهیم «ضعف امکانات و تجهیزات» و «مشکلات فرهنگی» بوده و به بررسی موانع بسترها و زیرساخت‌های موجود می‌پردازد. نارسایی‌های حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها شامل مفاهیم «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاست‌گذاری‌ها» و «ناکارآمدی عملکرد بانکی» بوده و موانع موجود در قوانین و سیاست‌های مالی و معنوی را بررسی

می‌کند. مشکلات زنجیره تولید، توزیع و نظارت شامل مفاهیم «نارسایی سیستم مدیریتی» و «مشکلات بازاریابی و بازرسانی» می‌باشد (جدول ۴).

#### جدول ۴. اولویت‌بندی عوامل بازدارنده کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی استان کرمانشاه

مقوله‌ها	مفاهیم	بالاترین اولویت‌ها	پایین‌ترین اولویت‌ها
ضعف زیرساخت‌ها	ضعف امکانات و تجهیزات	نبود فضای کافی و مناسب	وجود مشکل در زمینه حمل و نقل و دسترسی مشکل به مواد اولیه
	مشکلات فرهنگی	عدم اعتماد به یکدیگر	فرهنگ ضعیف کار و کارآفرینی در استان
نارسایی‌های حمایتی و سیاستی	عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاست‌گذاری‌ها	عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان در توسعه واحدهای تولیدی	نبود هماهنگی مناسب سازمان‌ها با یکدیگر و نداشتن نظارت و برنامه مناسب برای واردات محصولات
	ناکارآمدی عملکرد بانکی	نرخ بالای بهره بانکی تسهیلات	طولانی شدن زمان واگذاری تسهیلات توسط بانک‌ها و دسترسی نداشتن به تسهیلات اعتباری
مشکلات زنجیره تولید، توزیع و نظارت	نارسایی سیستم مدیریتی	عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید	نبود سازمان‌های کنترل‌کننده به منظور نظارت بر زنجیره تولید و ضعف مدیریت بحران مسئولین
	مشکلات بازاریابی و بازرسانی	نوسان شدید بازار در هنگام فروش و قیمت نهاده‌ها و آسیب دیدن محصولات به دلیل آفات و بیماری‌ها و نبود سردخانه نگهداری محصولات	تغییر سلیقه و ذائقه مشتریان

تعدادی از دیدگاه‌های زنان کارآفرین در رابطه با عوامل بازدارنده کارآفرینی به شرح زیر است:

در رابطه با «ضعف زیرساخت‌ها» یکی از زنان کارآفرین بیان کرد: «شریک شدن در کار گل و گیاه و گلخانه‌داری مقرون به صرفه نیست، چرا که گل و گیاه ۵ سال زمان می‌خواهد و کسی نیست ۵ سال سرمایه یا زمین خود را با دیگری شریک شود تا به سوددهی برسد». بر این اساس توجه به رفع مشکلات زیرساختی، ضرورت و اهمیت بالایی در فعالیتهای کارآفرینانه زنان در استان کرمانشاه دارد. با توجه به ماهیت موضوعی عوامل بازدارنده و نیز نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت که دسترسی به منابع، تجهیزات موردنیاز و مواد اولیه، و نیز فراهم آوردن زیرساخت‌های مرتبط با تولید، نقشی اساسی در توسعه فعالیتهای کارآفرینانه زنان دارد.

در رابطه با «نارسایی‌های حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها» یکی از کارآفرینان گفت: «برای تولید بیشتر از وام استفاده کردیم ولی این وام بهره بالایی داشت که ما توان بازپرداخت آن را نداشتیم».

بسیاری از این کارآفرینان با مسائل مالی و قوانین دست و پاگیر زیادی مواجه هستند که باعث شده بسیاری از این کارآفرینان با شکست مواجه شوند. نتایج این بخش از پژوهش همسو با نتایج پژوهشگرانی است که در پژوهش‌های خود بر رفع این دسته از موانع و فراهم آوردن بستر مناسب برای کارآفرینی زنان تاکید دارند. بنابراین باید مسئولین به حمایت‌های اقتصادی و ایجاد دستورالعمل‌هایی که باعث حل مشکلات و بحران‌هایی که زنان کارآفرین در این حوزه با آن مواجه هستند، توجه بیشتری داشته باشند.

به طور کلی، عوامل پیش‌برنده و بازدارنده را می‌توان در قالب جدول ۵، جمع‌بندی و خلاصه کرد:

جدول ۵. عوامل بازدارنده و پیش‌برنده کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی استان کرمانشاه

نقش عامل‌ها	طبقات انتخابی (گروه‌ها)	مقوله‌ها	مفاهیم
بازدارنده	مشکلات بخش اجرا	ضعف زیرساخت‌ها	ضعف امکانات و تجهیزات
		نارسایی حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها	مشکلات فرهنگی عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاست‌گذاری‌ها ناکارآمدی عملکرد بانک‌ها
	مشکلات بخش تولید	مشکلات زنجیره تولید	نارسایی سیستم مدیریتی مشکلات بازاریابی و بازرسانی
		عوامل زمینه‌ای	ویژگی‌های شخصیتی گروه‌های پشتیبان
پیش‌برنده	توسعه متوازن و درونزا	عوامل زمینه‌ای	بسترها و زیرساخت‌های مناسب آموزش
		عوامل ساختاری	

### بحث و نتیجه‌گیری

کارآفرینی فرآیندی است که نقش حیاتی در تداوم و توسعه ملی و جهانی ایفا می‌کند. امروزه ایجاد بستر مناسب جهت حمایت‌های مادی و معنوی از کارآفرینان بیش از پیش در کشور احساس می‌گردد. علیرغم اینکه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، اما مشارکت مطلوبی در فضای اشتغال و کسب و کار استان ندارند، به طوری که بر اساس آمار مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، نسبت اشتغال زنان به اشتغال کل استان حدود ۱۸ درصد بوده است؛ این امر ناشی از عواملی مانند عدم وجود نهاد یا سازمان دولتی برای حمایت از کارآفرینان، وجود موانع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی در کشور، باورهای غلط اجتماعی، و عدم دسترسی زنان به منابع مولدی همچون زمین، سرمایه، ابزار فناوری و آموزش

مناسب است. از این رو شناخت چالش‌هایی که بر فرایند کارآفرینی زنان اثرگذارند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. هدف این پژوهش، تحلیل کیفی چالش‌های کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی استان کرمانشاه بود که براساس تحلیل داده‌های گردآوری شده، ۱۷ کد باز برای عوامل پیش‌برنده و ۲۹ کد باز برای عوامل بازدارنده شناسایی گردید. به کمک روش تحلیل محتوا، عوامل پیش‌برنده در قالب گروه «طبقه متوازن و درونزا» به دو طبقه مفهومی «عوامل زمینه‌ای» و «عوامل ساختاری» تفکیک گردید که شامل چهار طبقه «ویژگی‌های شخصیتی»، «گروه‌های پشتیبان»، «بسترها و زیرساخت‌های مناسب» و «آموزش» بودند. نتایج نشان داد که ظرافت و دقت در انجام کار، علاقه به حوزه کاری، بهره‌گیری از حمایت اطرافیان، شرایط محیطی مناسب، و برگزار شدن دوره‌های آموزشی مهم‌ترین اولویت‌های عوامل پیش‌برنده را تشکیل داده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت زنان کارآفرینی که از ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه برخوردار هستند، از جانب خانواده، همکاران و اطرافیان به صورت روحی، مادی و تخصصی حمایت شوند، آموزش‌های تخصصی و مهارتی مناسب ببینند و در نهایت بسترهای مساعد اقتصادی، سیاسی - قانونی، اجتماعی - فرهنگی، فناوری برای آنها فراهم باشد، به نحوی که ثبات نسبی در شرایط محیطی برقرار شود و در قالب یک برنامه یکپارچه، هماهنگ و نظام‌مند از فرایند تولید و تجاری‌سازی زنان کارآفرین در شرکت‌های تعاونی حمایت شود، با درصد بالایی احتمال موفقیت دارند. همچنین، عوامل بازدارنده در قالب گروه‌های «مشکلات بخش اجرا» و «مشکلات بخش تولید» به سه طبقه مفهومی «ضعف زیرساخت‌ها»، «نارسایی حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها» و «مشکلات زنجیره تولید» تفکیک گردید که این طبقات شامل شش طبقه موضوعی «ضعف امکانات و تجهیزات»، «مشکلات فرهنگی»، «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاست‌گذاری‌ها»، «ناکارآمدی عملکرد بانک‌ها»، «نارسایی سیستم مدیریتی» و «مشکلات بازاریابی و بازرسانی» بودند. در نهایت عوامل نبود فضای کافی و مناسب، عدم اعتماد به یکدیگر، عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان، نرخ بالای بهره بانکی تسهیلات، عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید، نوسان شدید بازار، نوسان شدید قیمت نهاده‌ها، آسیب دیدن محصولات به دلیل آفات، به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی شهر کرمانشاه رتبه‌بندی شدند. متأسفانه تعداد عوامل بازدارنده از عوامل پیش‌برنده بیشتر است که نشان از فضای نامناسب کسب و کار برای زنان کارآفرین استان کرمانشاه دارد. با توجه به اینکه علی‌رغم تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های متعدد، سیستم‌های اداری با بوروکراسی فراوان، حمایت کافی و مناسب از زنان کارآفرین به عمل نمی‌آوردند، تبعیض بسیار زیادی میان زنان و مردان در استان وجود دارد، عمده کارآفرینان زن از مهارت‌های مدیریتی و بازاریابی برخوردار نیستند و از نظر تأمین تجهیزات، امکانات و منابع مالی در شرایط بحران به سر می‌برند، کارآفرینی زنان در شرکت‌های تعاونی با موانع اساسی روبروست. همچنین بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، وام‌هایی با بهره‌های سنگین و دوره‌های تنفس کوتاه‌مدت به همراه وثایق و ضمانت‌نامه‌های سنگین طلب می‌کنند که فراهم کردن آنها برای



زنان کارآفرین بسیار دشوار است. این در حالی است که شرکت‌های تعاونی به عنوان اهرم‌های توسعه کارآفرینی در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقای سطح درآمد و وضعیت اجتماعی زنان استان می‌توانند بسیار مؤثر باشند. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش کلاتتری و لوابی آدریانی (۲۰۱۷)، نصراللهی و همکاران (۲۰۱۶)، شریفی و همکاران (۲۰۱۵)، گلابی و همکاران (۲۰۱۴)، حیدری ساربان (۲۰۱۲)، ساتیاباما (۲۰۱۰)، آنال و همکاران (۲۰۰۹)، ناواز (۲۰۰۹)، وندی و چونگ (۲۰۰۷)، کریمی (۲۰۰۷)، کرونیوس (۲۰۰۶)، جواهری و قضاوتی (۲۰۰۵) و صابر (۲۰۰۳) همراستا بوده است. در نهایت، به منظور فراهم آوردن بسترهای حمایتی فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شرکت‌های تعاونی، می‌توان سازوکارهای زیر را پیشنهاد نمود:

- تخصیص هرچه بیشتر اعتبارات بلاعوض یا کم‌بهره ویژه زنان کارآفرین از سوی دولت و صندوق‌های خطرپذیر حمایت از کارآفرینی زنان و نظارت دقیق بر نحوه توزیع و مصرف آن، به منظور تسهیل فرایند تجاری‌سازی.
- تسهیل فرایند اخذ تسهیلات از سوی بانک‌ها، صندوق‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری (دوره تنفس بلندمدت، بهره بانکی کم و ضمانت‌ها و وثیقه‌های مناسب)
- فراهم کردن امکان دسترسی آسان‌تر و سریع‌تر زنان به کارشناسان و مروجان آموزش و مشاوره از طریق مراجعه منظم و دوره‌ای به آنها، بازدید از کسب و کار زنان، و بررسی مشکلات و ارائه راهنمایی‌های موردنیاز به آنان.
- افزایش دوره‌ها و کارگاه‌های مهارتی آموزش کارآفرینی توسط نهادهای دولتی و غیردولتی.
- گسترش کمی و کیفی مراکز خدمات فنی و مشاوره‌ای و نیز انتخاب برخی زنان فعال به عنوان رابط بین زنان کارآفرین و مروجان و کارشناسان سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی.
- فراهم آوردن زیرساخت‌ها و شرایط مناسب به منظور دسترسی آسان زنان به منابع مادی، فیزیکی، اطلاعاتی و نیروی انسانی.
- افزایش سطح سرمایه اجتماعی میان همه کارآفرینان و ارتقای فرهنگ کارآفرینی و حمایت معنوی از زنان کارآفرین در جهت افزایش انگیزه و اعتماد به نفس آنها.

---

**References**

Ahirrao, J., Sadavarte, M. N. (2010). Social & financial constraints of rural women entrepreneurs: A case study of Jalna District in Maharashtra. *International Referred Research Journal*, 3 (26), 14-18.

Alikhani Dad Vokalaee, M. (2014). The leading women's challenges in farming entrepreneurship. *Entrepreneurship in agriculture*, 1 (4), 19-32. [Persian].

Ansari, H. (2006). Cooperatives in the third Millennium, Publication of the Ministry of Cooperatives. Research Assistant, education and exaction. [Persian].

Ansari, M., Nabipour, M., & Haghghi, M. (2010). Strategies for removing barriers to women's entrepreneurship in Tehran. *Business and Society*, 129, 104-114. [Persian].

Arasti, Z., Maleki Karamabad, M. (2014). Official and informal institutional factors influencing the implementation of social entrepreneurship by women. *Journal of Social-Psychological Studies of Women*, 12 (1), 97-118. [Persian].

Archibong, C. A. (2004). Technology, infrastructure and entrepreneurship: Role of the government in building a sustainable economy. School of business and economics North Carolina & T State University.

Cronies, S. (2006). Understanding enterprise, entrepreneurship and small business. Macmillan, Basingstoke, 5, 243-246.

Ghademarzi, H., Jamshidi, A. R., Amini, D., & Nazari, H., (2015). Identifying the Barriers to Entrepreneurship Development for Rural Women (Case Study: Shalil Village - Ardal County). *Scientific Publications System*, 5 (17), 103-118. [Persian].

Ganesan, S. (2006). Status of women entrepreneurs in India. New Delhi: Kanishka publications.

Golabi, S., Ebrahimi, M. S., Alibeygi, A. H. (2014). Analysis of the Participation of Falavarjan Rural Women in Cooperatives: Application of the Participation Ladder of Arnstein. *Journal of Women and Society*, 4 (4), 23-46. [Persian].

Hashemi, H., Pouraminzad, S. (2010). Challenges of Human Resource Management in Iranian Organizations, Conducting Management and Leadership Challenges in Iranian Organizations, Isfahan. Islamic Azad University. [Persian].

Heriot, K., Campbell, N. (2002). A new approach to rural entrepreneurship: a case study of two rural electric cooperatives. Available in: Western Kentucky University, and Noel D, Campbell, North Georgia College & State University.

Hibri, A. (1999). *Women and Islam*, London: Paragon Press.

Heydari Sareban, V. (2012). Prioritizing the Effective Barriers on the Entrepreneurship of Rural Women Using AHP Method, a Case Study of Ardabil Province. *Women Socio-Psychological Studies*, 10 (2), 159-177. [Persian].

Heydari Sureshjani, R., Ghashool, H. (2017). Analysis and Evaluation of Women's Employment in Urban Spaces Using SWOT-AHP Model (Case Study: Women Employed in Kashan City in 1396) *Journal of Women and Society*, 3 (9), 173-200. [Persian].

Itohara, Y., Hoque, M. (2008). Participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members and non-members of the micro-credit organizations in Bangladesh. *Journal of Social Sciences*, 4 (3), 229-236.

Javaheri, F., Ghezavati, S. (2005). The Impact of Gender Inequality on Women's Entrepreneurship in Iran: Barriers to Job Launch for Women. *Iranian Sociology*, 18, 161-178. [Persian].

Kalantari, Kh., Lavaee Adriyani, R. (2017). Identifying and explaining the challenges of rural cooperatives in Iran by using the

---

basic theory approach. *Cooperative and Agricultural Quarterly*, 5 (17), 34-51. [Persian].

Karimi, Z. (2007). The role of government support in creating jobs for women. Case study: Mazandaran Women's Cooperatives. *Women's Entrepreneurship Conferences and Challenges*. Women's Association of Entrepreneurs. [Persian].

Kazemi, A., Moghimi, B. (2018). A Study on the Obstacles to the Development of Women's Entrepreneurship in Iran Using Analytical Hierarchy Process. *Journal of Women and Society*, 9 (2), 249-274. [Persian].

Ktabi, M., Yazdkhasti, B., & Farokhi Rastabi, Z. (2003). Empowering Women to Participate in Development. *Journal of Women's Research*, 3 (7), 5-30. [Persian].

Kiakajoori, K., Rudgarnejad, F, & Pourisi, M. (2012). Presenting the conceptual model of effective barriers on rural entrepreneurship development. National conference on rural development, Rasht, Guilan University. [Persian].

Roknoddin Eftekhari, A., Sajasy Qidari, H. (2009). *Rural Development with Emphasis on Entrepreneurship*, Tehran: Publication. [Persian].

Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare (2011). *History of co-operation in the world*. Available at: [http://as.mcls.gov.ir/SP\\_Page.aspx?t=history](http://as.mcls.gov.ir/SP_Page.aspx?t=history). [Persian].

Mohajerani, M. (2008). Development of rural cooperatives in Iran. *Cooperatives and Village Quarterly*, 10 (4), 1-13. [Persian].

Momeni Zadeh, N. (2014). Comparative Analysis of Female Heads of Households. *Journal of Economics*, 3 & 4, 120-95. [Persian].

Nasrollahi, M., Allahyari, M. S., Sedaghatoor, Sh., and Noorhosseini, A. (2016). Factors Affecting the Failure of Tea

Tavern Cooperatives in Guilan Province. *Cooperatives and Agriculture*, 4 (14), 111-126. [Persian].

Nawaz, F. (2009). Critical factors of women entrepreneurship development in rural Bangladesh, U.S.A: BDR.

Roshaniya, D., Khademi, R., & Ghoudi, S. (2015). Challenges and Obstacles of Women's Entrepreneurship. *Social, Scientific and Cultural Workers and Society Monthly*, 88, 64-74. [Persian].

Saber, F. (2003). *Ways of Women's Entrepreneurship Development in Iran: Ways to Empower Women for Economic, Social and Political Equity*. Tehran: Roshangan Publishing and Women's Studies. [Persian].

Sathiabama, K. (2010). Rural women empowerment and entrepreneurship development. From: <https://ideas.repec.org/p/ess/wpaper/id2475.html>.

Sharifi, Z., Irvani, H., & Daneshvar, Zh. (2015). Analysis of contributing and inhibiting factors in development of rural women's employment at Najaf Abad. *Journal of Women and Society*, 6 (1), 1-20. [Persian].

Shateriyan, M., Nasrabadi, Z., & Mansourian, F. (2017). An analysis of the obstacles to entrepreneurship in rural women in kashan city. *Quarterly Journal of Rural Space and Rural Development*, 6 (21), 181-196. [Persian].

Sheikhan, N. (2011). Programms for women entrepreneurship development in selected countries. *Social welfare*, 40, 259-286. [Persian].

Ünal, V., Güçlüsoy, H., & Franquesa, R. (2009). A comparative study of success and failure of fishery cooperatives in the Aegean Turkey. *Journal of Applied Ichthyology*, 25 (4), 394-400.

Urbano, D., Toledano, N., & Soriano, D. (2010). Analyzing social entrepreneurship from an institutional perspective: Evidence from Spain. *Journal of Social Entrepreneursh*, 1, 54-69.

Verheul, I. (2001). An eclectic theory of entrepreneurship. Tinbergen institute discussion paper. Indianapolis: institute for development strategies, Indiana University.

Wendy, T., Chong, S. (2007). Theorizing a framework of factors influencing performance of women entrepreneurs in Malaysia. *Asia entrepreneurship and sustainability*, 5, 42-46.

Wong, P., Ho, Y. & Singh, A. (2007). Towards an entrepreneurial university model to support knowledge-based economic development: The ease of the national university Singapore. *World development*, 35, 941-958.

### **Abstract**

The present study was done with the aim of qualitative analysis of women entrepreneurship challenges in cooperative companies at Kermanshah province. The research method was qualitative in the case study and the data were collected through a semi-structured interview with 23 women entrepreneurs that selected based on theoretical sampling method. Based on the results of content analysis, women entrepreneurship challenges were divided into two categories: proactive and preventive factors; The proactive factors in the selected category of "balanced and endogenous development" were categorized into two categories of land and structural factors, the most important of which were carefulness of work, interest in the field of work, utilization of the support of surrounding people, appropriate educational environment; Also, the preventive factors in the selected category of "implementation problems" include two categories of weaknesses in infrastructure and support and policy deficiencies in government and organizations. and the "selection problems" of the manufacturing sector, including categories of supply chain distribution, distribution and monitoring, that lack of suitable space, lack of Confidence in each other, the lack of government support from producers, the high level of bank profits, the failure to address production problems, the strong market

fluctuations and input prices, and product harassment were the most important priorities. Finally, suggestions were made to improve women's entrepreneurship.

**Key words:** Qualitative Analysis, Challenge, Women's Entrepreneurship, Cooperative, Kermanshah Province.